



University of Zanjan  
The Journal of

## **Ethical Reflections**

Vol.3, Issue 4, No. 12, Winter 2022-2023, pp. 109-130.  
Online ISSN: 2717-1159 / Print ISSN: 2676-4810  
<http://jer.znu.ac.ir>

Review Article



10.30470/er.2023.550467.1098

# **Criticism and Analysis of the Psychological Reasons of Utilitarians on Childbearing**

Seyedeh zeinab rezvani, <sup>1</sup> Hossein Rezaian <sup>2</sup>

## **Abstract**

Today, adoption and having children is one of the important issues, the expansion or non-expansion of which is the subject of conflict between supporters and opponents. Proponents have mentioned arguments such as reviving childhood days for parents, creating mental peace due to economic-social growth for themselves and society, happiness of parents, fulfillment of parents' motives, etc. in order to spread adoption. On the other hand, the opponents also put forward arguments about the heavy responsibility of having children, physical and mental problems for the mother, environmental dangers and lack of mental peace for the parents. The explanation and analysis of this issue in normative ethics with a utilitarian approach is also of particular importance because the basis of this view is more profit and pleasure for most people. If an action such as having children results in more benefits for most people, it is morally right, and otherwise it will be wrong. Since one of the most important benefits for humans in any matter is its psychological benefit and it is the basis for persuading a person to do an action or not, in this research the psychological consequences of having children from the point of view of utilitarians who are in favor and against having children have been investigated and criticized in a descriptive-analytical way.

**Keywords:** Childbearing, Consequentialist Reasons, Moral theories, Psychological consequences.

---

**Received:** 06 June 2022 | **Accepted:** 06 Sep. 2022 | **Published:** 29 Sep. 2022

1. **Corresponding Author:** Instructor, Director of the Department of Psychology, Bint Al-Hoda Higher Education Complex, al-Mustafa al-Alamiya Society (pbuh), Qom, Iran. Email: [z.rezvani2022@gmail.com](mailto:z.rezvani2022@gmail.com).

2. - PhD student in psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.



دانشگاه زنجان

فصلنامه تأملات اخلاقی

دوره سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲)، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۱۰۹-۱۳۰.

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۱۱۵۹

شاپا چاپی: ۴۸۱۰-۲۶۷۶

مقاله مروری



10.30470/er.2023.550467.1098

## نقد و بررسی دلایل روان‌شناختی سودگرایان بر فرزندآوری

سیده زینب رضوانی<sup>۱</sup>، حسین رضاییان<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه فرزندخواهی و فرزندآوری یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار اجتماعی، اخلاقی، حقوقی در جوامع بشری است. گسترش یا عدم گسترش آن، موضوع نزاع موافقان و مخالفان است. موافقان دلایلی نظیر زنده شدن ایام خردسالی و کودک درون والدین، ایجاد آرامش روانی ناشی از رشد اقتصادی-اجتماعی برای خود و جامعه، شادی والدین، تحقق انگیزه‌های والدین و غیره را در راستای گسترش فرزندخواهی ذکر کرده‌اند. در مقابل مخالفان نیز استدلال‌هایی مبنی بر مسئولیت سنگین فرزندآوری، مشکلات جسمی و روانی برای مادر، خطرات زیست محیطی و عدم آرامش روانی برای پدر و مادر و غیره را مطرح می‌کنند. تبیین و تحلیل این موضوع در اخلاق هنجاری با رویکرد سودگرایانه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا اساس این دیدگاه سود و لذت بیشتر برای اکثر افراد است. اگر عملی چون فرزندآوری سود بیشتری برای اکثر افراد در پی داشته باشد، به لحاظ اخلاقی درست است و در غیر این صورت نادرست خواهد بود. از آنجاکه یکی از منافع مهم برای انسان در هر مسئله‌ای منفعت روان‌شناختی آن است و زمینه‌ساز ترغیب فرد به یک عمل یا عدم آن می‌گردد، در این پژوهش پیامدهای روان‌شناختی فرزندآوری از نگاه سودگرایان موافق و مخالف فرزندآوری به شیوه تو صیفی-تحلیلی بررسی و نقد شده است.

**واژه‌های کلیدی:** فرزندآوری، دلایل پیامدگرایانه، نظریه‌های اخلاقی، پیامدهای روان‌شناختی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷

۱. نویسنده مسئول، مربی، مدیر گروه روانشناسی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، قم، ایران.

z.rezvani2022@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

## مقدمه

کاهش یا افزایش فرزندآوری از ابعاد مختلف، از جمله: فرهنگی، اقتصادی، فقهی، حقوقی و اخلاقی قابل بررسی است. در کشور ما اغلب از منظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته و به بعد اخلاقی آن کمتر پرداخته شده است، در حالی که در مباحث اخلاق هنجاری<sup>۱</sup> در برخی جوامع به‌طور گسترده به این مسئله پرداخته شده است. در اخلاق هنجاری به بررسی اصول و قواعد هنجاری و باید و نبایدهای اخلاقی توجه می‌شود. هدف اخلاق هنجاری دفاع از داوری‌های عام ارزشی و ارائه نظریه‌ای جامع برای تبیین آن‌ها است و وظیفه آن کسب معیارهای اخلاقی برای تعیین درست و نادرست است (دباغ، ۱۳۸۸، ص ۲-۳). نظریات مربوط به اخلاق هنجاری در سه حوزه فضیلت‌گرایی<sup>۲</sup>، وظیفه‌گرایی<sup>۳</sup> و غایت‌گرایی<sup>۴</sup> قابل ارائه و بررسی هستند. فضیلت‌گرایی دیدگاهی است که بر فضیلت تأکید داشته و دارا بودن نیت و انگیزه شایسته را ملاک می‌داند. در این نگرش فضائل دارای ارزش ذاتی بوده و اصول اخلاقی ناشی از فضائل هستند. بنابراین فضیلت‌گرایی به بررسی درست و الزامی بودن امر نمی‌پردازد؛ بلکه فضیلت، ملاک معیار اخلاق عملی است (صادقی، ۱۳۸۸، ص ۱۵). مکتب دیگر وظیفه‌گرایی است که بر اساس این دیدگاه قضاوت درباره‌ی خوب بودن یک فعل اخلاقی، نه بر اساس غایت یا نتیجه آن، بلکه بر اساس هماهنگی آن با هنجارهای اخلاقی مورد توجه است. درحقیقت، اگر افعال انسانی بر اساس مطابقت آنها با وظیفه انجام شوند، خوب تلقی می‌شوند (پینکافس، ۱۳۸۲، ص ۴۹).

بر اساس پیامدگرایی<sup>۵</sup> که از شایع‌ترین و پرکاربردترین رویکرد اخلاقی است، ما تنها یک الزام اخلاقی داریم و آن انجام دادن هر کاری است که بهترین نتایج را در پی داشته باشد؛ نوع کار به خودی خود مهم نیست، بلکه مهم آن است که با هر کاری که انجام می‌دهیم، منافع را به حداکثر برسانیم (گنسلر، ۱۳۹۰، ص ۳۱۷). توجه و تمرکز این نظریه بر آثار و پیامدهای مترتب بر عمل است و معیار داوری درباره ارزش و الزام اخلاقی مانند خوبی و بدی و بایسته و نبایسته افعال بر اساس نتایج و آثار آنهاست؛ به بیان دیگر، برای اینکه بدانیم چه کاری خوب یا بد است، باید نتایج کار را بسنجیم تا بتوانیم خوبی یا بدی آن کار را دریابیم (فرانکنا، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵). پیامدگرایی شامل خودگرایی<sup>۶</sup>، دیگرگرایی<sup>۷</sup> و سودگرایی<sup>۸</sup> است. در خودگرایی اخلاقی، ملاک درستی و نادرستی عمل، بهترین پیامد مطلوب برای فاعل است. در مقابل، دیگرگرایان بر این باورند که تنها ملاک درستی فعل، بیشترین نتایج مطلوب برای دیگران است. اما سودگرایی ملاک درستی و نادرستی هر عمل را خیر بیشتر برای بیشتر افراد می‌داند (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۱۸). «اصل

1. Normative ethics
2. Virtue
3. Conscientiousness
4. Teleology
5. Consequentialism
6. Selfishness
7. Otherness
8. Utilitarianism

سود<sup>۱</sup> یا «اصل بیشترین خوشبختی»<sup>۲</sup> یا «اصل لذت»<sup>۳</sup> که سودگرایی از آن استفاده می‌کند. عمل درست را عملی می‌داند که بیشترین خوشی، خوشبختی، سود و لذت برای بیشترین تعداد افراد را در بردارد و بر این اساس، عملی نادرست است که موجب کاهش خوشبختی، افزایش ناخشنودی یا رنج گردد (Geoffrey, 1998, p.439). بنابراین در نگرش سودگرایانه خیرخواهی عام، به عنوان اصل بنیادینی است که به دنبال جستجوی خوشبختی یا پیامدهای خوب برای نوع بشر می‌باشد.

آنچه در جوامع کنونی با از بین رفتن بسیاری از کارکردهای نهاد خانواده و آشفتگی‌های روانی به عنوان کارکردی مهم مطرح است، ارضای نیازهای روانشناختی است که می‌تواند انگیزه‌ای برای بقای خانواده باشد. سودگرایان به منظور ترغیب خانواده به مسئله فرزندآوری به ذکر فوائد آن از منظر روانشناختی پرداخته‌اند؛ از جمله زنده شدن ایام خردسالی والدین، ایجاد آرامش روانی ناشی از رشد اقتصادی-اجتماعی برای خود و جامعه، ایجاد شادی و نشاط و تحقق انگیزه‌های والدین و در مقابل انفجار جمعیت و فشار روانی، مسئولیت سنگین فرزندپروری.

هر یک از این دلایل، بر مبنای سودگرایی نگرش مثبتی یا منفی را در خصوص فرزندآوری ایجاد کرده است که با بررسی و نقد این دیدگاه‌ها می‌توان معیار اصلی فرزندآوری را استخراج کرد. از این رو، در این پژوهش با روش عقلی ضمن تبیین و تحلیل دلایل ارائه شده برای فرزندآوری، به ارزیابی و نقد آنها نیز پرداخته شده است.

## ۱. دلایل روانشناختی سودگرایان بر فرزندآوری

برخی دلایل روانشناختی سودگرایان موافق با فرزندآوری به شرح زیر است:

### ۱-۱. زنده شدن ایام خردسالی و کودک درون والدین

اورال اندیشمند پیامدگرا در کتاب خود با نام «Why have children?» مدعی است کودکان می‌توانند با هر رده سنی والدینشان را به سال‌های اولیه زندگی بازگردانند. به باور علم روان‌شناسی نیز هر شخص بزرگسال با هر رده سنی یک کودک درون<sup>۴</sup> دارد که گاهی اوقات این کودک درون از خواب سنگین خود بیدار شده و اشخاص را مجبور به انجام اعمال کودکانه می‌کند (Overall, 1949, p.77). دکتر برن<sup>۵</sup> در تعریف خود از کودک درون این گونه می‌گوید: کودک درون به آینده و عواقب کار اهمیت نمی‌دهد، به دنبال کسب لذت‌ها و هیجانات آنی است و برای رسیدن به

1. The principle of profit
2. The principle of the greatest happiness
3. The principle of pleasure
4. Inner child

۵. Eric Berne روانپزشک آمریکایی کانادایی است. او ابتدا چند مقاله آتشین در این زمینه نوشت و پس از آن در سال ۱۹۵۸ مقاله مشهور و تأثیرگذار خود را با عنوان «تحلیل رفتار متقابل: روشی بدیع و کارا برای گروه-درمانی» منتشر کرد. این مقاله شروعی بود برای نظریه‌ای جدید که با عنوان «تحلیل رفتار متقابل (Transactional Analysis) شهرت یافت (به نقل از ویکی‌پدیا، اریک-برن).

تجربه اشتباه اصرار می‌کند (عبدالملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۷). بنابراین کودکان با حرکات خود به والدین‌شان می‌آموزند که چگونه می‌توان با انجام اعمال مختلف به دوران کودکی بازگشت مثلاً چگونه می‌توان با کشیدن طرحی ساده جلب توجه کرد و همراه با شادی و ذوق نگاه دیگران را به طرح‌شان جلب کنند؛ به بیان دیگر، روش‌های ابراز وجود چگونه است. در واقع این یکی از بارزترین آموزش‌ها از سوی کودکان برای بزرگسالان است. کودکان می‌توانند با رفتارهای خود ما را به کودک درون‌مان متصل کنند و در این امر بیش از هر شخص دیگری صلاحیت دارند (Overall, 1949, p.77).

کودکان علاوه بر آموزش‌های مطرح شده با برخی از اعمال‌شان نظیر عدم دروغ‌گویی برخلاف اکثر بزرگسالان پاک‌ی و معصومیت کودکانه را در ذهن والدین‌شان مرور می‌کنند. آنان برخلاف بزرگسالان از گفتن دروغ انگیزه‌های بلندمدت یا مالی ندارند و از گفتن آن احساس شرمساری بیشتری می‌کنند (Ibid). از این رو، با بیان حقایق، بدون هیچ‌گونه ممانعتی والدین را به دوران کودکی‌شان باز می‌گردانند و فطرت پاک دوران کودکی<sup>۱</sup> را برایشان زنده می‌کنند.

کودکان علاوه بر اعمال فوق عاشق بازی هستند و هیچ‌گاه از انجام آن خسته نمی‌شوند. در واقع اگر بازی را به عنوان شغل کودکان در نظر بگیریم، آنها عاشق شغل خود هستند؛ آن هم شغلی که برای انجام آن هیچ هزینه‌ای دریافت نمی‌کنند. حتی گاهی اوقات برای انجام کیفیت بالای آن مورد شماتت قرار می‌گیرند. در حقیقت آنها با بازی‌های خود به والدین‌شان تمرکز در شغل، یکی شدن با آن و لذت انجام شغل مورد علاقه را آموزش می‌دهند و بار دیگر والدین را به آن دوران برده تا در قالب تخیلات کودکی، درون‌شان را بارور کنند. لاموت در خصوص فواید روانشناختی کودکان و رفتار آنها برای والدین می‌گوید که کودکان به لحاظ روانشناختی تأثیرات غیر قابل انکاری بر والدین خود دارند که این تأثیرات می‌تواند حتی گهگاهی در رفتار والدین نیز نمود پیدا کند (Lamott, 2007, p. 184).

بر اساس این استدلال، فرزندآوری زمینه‌ساز زنده شدن دوران خردسالی برای والدین در طول زندگی، پاک‌ی درون آنها و عدم دروغ‌گویی است و طبق معیار ارزش اخلاقی پیامدگرایان، هر پدر و مادری با تولد فرزند چنین پیامدهایی را تجربه خواهد کرد که به لحاظ روانشناختی موجب غلبه خیر بر شر حداکثری برای بیشتر خانواده‌ها است.

## ۱-۲. ایجاد آرامش روانی

ویلیام تمپل<sup>۲</sup> یکی از مدافعان سودگرایی قرن هفده معتقد است: «افزایش جمعیت سرچشمه نیروی سیاسی، اقتصادی و نظامی است». از دیدگاه او کاهش جمعیت سبب تلف شدن نیروی جوان جامعه است؛ چرا که در صورت کاهش جمعیت یا تنظیم آن، همیشه جمعیت جوان کمتر از نیروهای پیر و کودک است و جوان نیروی محرک نیازهای خود، کودکان و پیران است. بنابراین در صورتی که همه یا نیمی از افراد جامعه به فرزندآوری رغبت نشان ندهند، در سال‌های آینده هر جوان در جامعه علاوه بر علائق شخصی باید مخارج چند نفر دیگر را نیز تأمین کند؛ یعنی درصد مصرف از درصد تولید

۱. كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ثُمَّ إِنَّ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنصَّرَانِهِ وَ يُمَجَّسَّانِهِ (ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۲۶).

بیشتر خواهد شد؛ در نتیجه توان اقتصادی جامعه کم می‌شود و کشوری که تمام نیروی فعال خود را برای برطرف کردن نیاز نیروهای مصرف‌کننده صرف کند، از پیشرفت باز خواهد ماند؛ چرا که بین عرضه و تقاضا تعادل برقرار نخواهد شد و این موجب افزایش قیمت و کاهش تقاضا می‌شود. از طرفی کاهش جمعیت در درازمدت باعث کاهش تقاضا، کاهش نیروی کار و در نهایت کاهش تولیدات اقتصادی خواهد شد (امانی، ۱۳۷۷، ص ۱۰-۱۱: محمودیان و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴۴). بنابراین افزایش فرزندآوری مساوی است با نیروی انسانی بیشتر، به کارگیری منابع و در نتیجه تولید ثروت و پویایی آن برای خانواده و جامعه (Lucas, 1938, p. 221). به بیان دیگر، می‌توان نگرش تمپل را این گونه تبیین کرد که با کاهش فرزندآوری اولین آسیب متوجه خانواده است و در گام بعدی به جامعه؛ زیرا با کاهش جمعیت جوان و افزایش جمعیت پیر بیشترین فشار و سختی بر اعضای خانواده‌ها تحمیل می‌گردد تا بتوانند اهداف جامعه را محقق کنند؛ زیرا تحقق اهداف خانواده در گرو تحقق اهداف جامعه است.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر کمبود نیروی فعال، زمینه ساز مهاجرپذیر شدن کشورها شده و تبعاتی نظیر کمبود کار برای ساکنین کم‌مهارت آن کشور در رقابت با نیروی کار مهاجر با مهارت فراهم می‌آورد (دژبرار، ۱۳۹۶، ص ۱۳۸). همین مسئله می‌تواند آرامش اقتصادی و روانی ناشی از اقتصاد خانواده را برهم‌زند؛ زیرا از عوارض بیکاری مسائلی نظیر طلاق، اعتیاد و ... خواهد بود. بنابراین عوامل متعددی در اقتصاد یک جامعه و پیشرفت آن نقش اساسی دارند؛ اما سه عامل لازمه آغاز شکوفایی هر اقتصادی در جامعه است که عبارتند از: سرمایه، منابع طبیعی و نیروی انسانی؛ که از غلبه نیروی انسانی بر منابع طبیعی، سرمایه حاصل شده و زمینه پیشرفت اقتصادی فراهم می‌شود. در میان سه عامل مطرح شده خانواده پایه گذار نیروی انسانی و اساس عامل تولید و مصرف کالاها و خدمات در جامعه است که هم می‌تواند اهداف اقتصادی-اجتماعی خود را محقق کند هم به ارتقاء جوامع کمک کند.

با توجه به استدلال ویلیام تمپل فرزندآوری دارای سود بسیاری است؛ اما عده‌ای بر اساس دلایلی مسئولیت‌پذیرش فرزندآوری را سنگین می‌پندارند؛ دلایلی نظیر اینکه: فرزندآوری موجب عدم آسایش شخصی زوجین، تحمیل هزینه اقتصادی بسیار، محدودیت در گسترش استقلال فردی و زوجی، محدودیت شغلی، محدودیت در حق آزادی فردی و برابری جنسیتی. همچنین فرزندآوری با مسئولیت سنگین نگهداری کودک و مراقبت از آن، مشکلات روانی کودکان در زمان جدایی، حضانت و مخارج فرزند در هنگام ازدواج مجدد و عدم سازگاری فرزند با خانواده جدید مواجه است. علاوه بر این موارد، گاهی والدین به دلیل کاهش ظرفیت عاطفی خویش به خاطر مشغله‌های اقتصادی، عدم مهارت کافی در فرزندپروری و ... بر عدم رغبت خویش بر فرزندآوری تأکید می‌کنند. در واقع این گروه با اشاره به این مسائل، گرچه مسئولیت فرزندپروری را مهم می‌شمارد، اما با توجه‌های مذکور این مسئولیت را سنگین دانسته

۱. ر.ک: رضوانی، سیده زینب، نقد و بررسی دلایل اقتصادی سودگرایان بر فرزندآوری (۱۴۰۱). نشریه مطالعات زن و خانواده.

و از پذیرش آن سرباز می‌زنند (Smilansky, 1995, p. 46).

با وجود این مخالفت‌ها طبق مبنای سودگرایان از جمله تمیل، دو اصل سود<sup>۱</sup> و تعمیم‌پذیری<sup>۲</sup> اقتضا می‌کند تا فرزندآوری به‌طور کلی به دلیل افزایش نیروی انسانی و پیشبرد اهداف خانواده و جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد و اخلاقی شمرده شود.

### ۱-۳. شادی والدین

اورال در تبیین استدلال اثبات اصل شادی با وجود فرزندآوری از مطالعات تجربی کاپلان استفاده و بیان می‌کند: «اگر بزرگسالان بخواهند زندگی‌شان را تا آخر ادامه دهند، باید پدر و مادری را انتخاب کنند». در حقیقت تعریفش از والدین «برنده تسلیم»<sup>۳</sup> است. منظور از اصطلاح برنده یعنی والدین با پذیرش امر والدینی در نهایت برنده تربیت و مربی‌گری فرزندشان آنگونه که می‌خواهند می‌شوند؛ چرا که والدین با شکوفایی استعدادهای فرزندانشان زمینه رشد و نمو آنان را به لحاظ تربیتی فراهم می‌کنند. اوروال از جانب کاپلان<sup>۴</sup> در توضیح تسلیم در عبارت «برنده تسلیم» می‌گوید ما نباید پدر و مادر را در برابر هزینه‌های فرزند ضعیف و ناتوان ببینیم؛ چون والدین می‌توانند تأثیر بسزایی از لحاظ هزینه‌های تربیتی در فرزندانشان داشته باشند. بنابراین دو مورد از مطالعات به دقت نشان می‌دهد که کار پرورش فرزندان چندین اثر طولانی‌مدت دارد:

اگر والدین فکر کنند آینده اقتصادی فرزندشان در دستان آنهاست در این صورت احساس گناه کرده و ترجیح می‌دهند که فرزندی متولد نکنند تا بخواهند مسئولیت آینده‌شان را بر عهده گیرند؛ اما اگر این مسئله را بدانند که آینده اقتصادی فرزندشان تا حد زیادی به دست خود فرزندان است و والدین تنها هدایت‌کننده آنها هستند، دیگر احساس گناه چندانی نخواهند داشت؛ از مقام والدینی لذت بیشتری برده و با تولد هر فرزند زمینه شادی والدین فراهم می‌گردد. در حقیقت کاپلان افزایش لذت و شادی والدین را به معنای تعداد فرزند بیشتر می‌داند (Overall, 1943, p. 78).

نتایج مطالعات طولی حاکی از آن است که شادمانی موجب افزایش طول عمر است. از هیجانانگیز مهم که موجب سرزندگی و پویایی در فضای خانواده است، شادی است (پناهی، ۱۳۹۵، ص ۶). نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه «برینگهام یانگ» آمریکا بر ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان، بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که داشتن فرزند، موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، امکان بهتر درک زیبایی‌ها، دقت بیشتر در کارهای جزئی و افزایش شادی والدین است (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۵). تحقیقات جدید نیز نشان می‌دهد که پدر و مادر شدن، آنها را از خطر ابتلا به سرطان و بیماری‌های

1. Profit
2. Generalizability
3. Winning Surrender
4. Kaplan

قلبی محافظت می‌کند. همچنین، این تحقیقات حاکی از آن است که بارداری زنان در عملکرد حافظه آنها اثر می‌گذارد و موجب می‌شود مغز آنها عملکرد بهتری داشته باشد (همان، ص ۱۸۶).

فرزندآوری می‌تواند فقدان احساسات عاطفی را جبران کرده و منبع احساسی عظیمی برای طرفین (والدین و کودک) باشد (Ibid). لافکادیو هرن<sup>۱</sup> معتقد است پدر یا مادر بودن پر احساس‌ترین تجربه انسان است. هیچ‌کس تا وقتی بچه‌دار نشده و او را عاشقانه دوست نداشته باشد، نمی‌تواند معنای واقعی زندگی را درک کند. نبود فرزند در خانواده‌ها فضایی خالی به وجود می‌آورد و باعث تضاد می‌شود. از این‌رو، روان‌شناسانی مانند ماکسول و مونت‌گمری<sup>۲</sup> (۱۹۶۹)، فیلدمن<sup>۳</sup> (۱۹۷۱)، بات (۱۹۷۱) و راسل (۱۹۷۴) به آثار وجودی فرزندان در خانواده اشاره کرده‌اند و معتقدند فرزندان می‌توانند در زندگی تأثیرات مثبت و سازنده‌ای بگذارند (پناهی، ۱۳۹۵، ص ۴۳). همچنین پژوهش‌ها نشان داد که یکی از عوامل مهم در معناداری زندگی خطاب والدین به لفظ (پدر) و (مادر) از سوی کودک است (همان؛ ص ۳۰). آرگیل<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) کودکان را منبع فواید بسیاری برای خانواده می‌داند. او مدعی است با حضور فرزند در خانواده شادی زیادی ایجاد می‌شود و والدین لذت شادی را به عنوان یک مزیت از کودکان‌شان دریافت می‌کنند (Argyl, 2001, p. 82).

پژوهش راسل (۱۹۷۴) تأیید می‌کند که تولد فرزند موجب ایجاد نشاط برای والدین است و سپری کردن اوقات با کودک به همراه بازی با نوزاد یکی از مزایای کودک برای پدر و مادر است (Russel, 1974, p. 197). پژوهش‌های فیلدمن (۱۹۷۱) در مورد پدر و مادران جوانی که نخستین بار دارای فرزند شدند، نشان داده است که لذت پدر و مادری و احساس نشاط ناشی از گذران زندگی با فرزند موجب آسایش و آرامش زوجین است (Feldman, 1971, p. 295). همچنین یافته‌ها نشان داده‌اند اولین دیدار والدین با فرزند سالم تازه متولد شده یکی از عوامل شادی‌آور است. همین‌طور با افزایش سن کودکان و مورد خطاب قرار دادن والدین با لفظ «مامان» و «بابا»، زندگی آنان معنادارتر شده و لذت‌بخش‌تر است. همچنین با نگاه به فعالیت‌ها، بازی‌های دلنشین کودکان و چهره تبسم‌آفرین فرزندان احساس شادی در والدین ایجاد می‌شود (براگا<sup>۵</sup>، ص ۱۶-۲۵).

بنابراین طبق قاعده کلی شادی در زندگی مطلوب است و برای تمامی انسان‌ها فواید متعددی دارد. نتیجه استدلال و شواهد تجربی حاکی از این است که فرزندآوری سبب ایجاد شادی برای خانواده‌هاست. بر این اساس اگر با تولد فرزند برای تعداد کمی از خانواده‌ها به دلیل شرایطی شادی ایجاد نگردد، تداوم فرزندآوری اخلاقی است.

1. Lafcadio Hearn
2. Maxwell and Montgomery
3. Fieldman
4. Argil
5. Braga



#### ۴-۱. تحقق انگیزه‌های والدین

انسان به کودک نیازمند است تا به نوعی از زندگی ناامیدکننده خود انتقام بگیرد. به اعتقاد اورال والدین می‌توانند کودکان خود را از اشتباهاتی که خود در زندگی گرفتار آن شده‌اند و به نوعی قربانی محسوب می‌شوند، نجات دهند. به لحاظ روان‌شناختی تحقق انگیزه یا عقده‌های شخصی می‌تواند تأثیرات مهمی روی والدین داشته باشد؛ به عنوان مثال والدینی را تصور کنید که موقعیت شغلی مناسبی در اجتماع ندارند و از این بابت ناراضی هستند و خود را ملامت می‌کنند. اگر پای صحبت این گونه افراد بنشینید، اغلب از موقعیت‌های مناسبی که در طول زندگی نصیب‌شان شده است و ارزش آن را به درستی درک نکرده‌اند، ناراضی هستند. آن‌ها اعتقاد دارند اگر یک بار دیگر به گذشته بازگردند دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نخواهند کرد و از موقعیت‌های پیش آمده نهایت استفاده را خواهند برد. ولی از آنجا که والدین این فرصت را ندارند که به گذشته بازگردند، آن‌ها در جستجوی راهی جدید برای جبران خسارات وارده به خود و به نوعی انتقام از زندگی هستند. این فرصت تنها می‌تواند از طریق کودکان برای آن‌ها مهیا شود. در واقع کودکان همانند ماشین‌های زمانی هستند که می‌توانند بزرگسالان را به گذشته برگردانند و فرصتی برای جبران ناکامی‌های زندگی به آن‌ها بدهند (Overall, 1949, p. 77).

برخی پژوهش‌ها نیز نشان داد داشتن فرزند موجب افزایش امید به زندگی والدین و تحقق اهداف دست نیافته آنان در سنین پیری و کهنسالی است؛ یعنی از نگاه والدین، فرزندان به‌طور موفقی تربیت یافته‌اند و ارضاء‌کننده نیازها و انگیزه‌های پیری والدین خویش هستند (پناهی، ۱۳۹۵، ص ۵۳). بنابراین وقتی فرزندی استعداد خود را به نمایش می‌گذارد و در کاری موفق می‌شود، باعث فخر و مباهات والدین خود می‌شود و یا اینکه اگر در آینده فردی مفید برای جامعه شود، باعث خوشنودی آنها خواهد شد. در هر حالت، گویی که والدین خود به این موفقیت‌ها دست یافته‌اند. در نقطه مقابل، اگر فرزندی دچار انحرافات اساسی در زندگی شود، باعث شرمساری والدین خود می‌گردد؛ گویی که خود والدین دچار این انحرافات اساسی شده‌اند. بنابراین فرزندان می‌توانند باعث شوند که والدین شیرینی زندگی را تجربه کنند و یا یک بار دیگر آن را تکرار کنند و ناکامی‌های زندگی را از طریق آن‌ها جبران نمایند. بسیاری از مردم بر این عقیده هستند که داشتن فرزند باعث تحقق انگیزه‌های والدین و کسب لذت آنان است (Overall, 1949, p. 77).

#### ۲. دلایل سودگرایان مخالف فرزندآوری

در مقابل دلایل ذکر شده از سوی مدافعان فرزندآوری، برخی مخالفان فرزندآوری به لحاظ روان‌شناختی دلایلی را مطرح می‌کنند که افراد را ترغیب به فرزند نیاوردن می‌کند.

## ۲-۱. مسئولیت سنگین فرزندآوری

اسمیلنسکی<sup>۱</sup> در مقاله خود با عنوان «آیا الزامی اخلاقی بر فرزندآوری وجود دارد؟»<sup>۲</sup> اعتقادش را در مسئله فرزندآوری چنین مطرح می‌کند که با وجود مسئولیت و تعهدات سنگین فرزندآوری زوجین با تصمیمی شخصی خواستار نقش پدری یا مادری می‌شوند. در حالی که برخی مدعی‌اند که داشتن فرزند، برای رسیدن به آسایش شخصی، تصمیمی نامعقول است و مورد پذیرش اجتماع نیست. اگر انسان‌ها احساس کنند که بدون داشتن فرزند خوشبخت‌تر هستند یا ملزومات زندگی آن‌ها نداشتن فرزند را به آن‌ها تحمیل کند، نمی‌توان جلوی حق انتخاب آن‌ها را گرفت. در واقع این‌گونه افراد مسئولیت فرزندآوری و فرزندپروری را بسیار مهم می‌دانند و معتقدند که آن‌ها از عهده این مسئولیت برنخواهند آمد. در حقیقت این والدین نگران عواقب فرزندآوری هستند که مبدا نتوانند الگوی مناسبی برای فرزندان خویش باشند و نتوانند آن‌ها را به‌طور صحیح تربیت کنند. در واقع مشکلاتی که داشتن فرزند اغلب برای والدین ایجاد می‌کند، به شکلی خاص، انتخاب آنان را برای داشتن فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طوری که در جوامع مدرن امروزی یکی از دلایل زوجین برای عدم فرزندآوری، مخاطره پرورش فرزند در جوامعی است که موانع تربیتی بسیاری را به همراه دارد. علاوه بر آن آوردن فرزند زمینه برهم زدن آرامش روانی است. فرزندآوری با توجه به تعهدات و مسئولیت‌هایی که برای والدین در پی دارد، نه تنها کار ساده‌ای نیست، بلکه بسیار دشوار و همراه با پیچیدگی‌های فراوان است، نظیر دوران سخت بارداری، شب بیداری در ابتدای نوزادی، فشارهای درمان در زمان بیماری کودک، تنش‌های تربیتی در دوران کودکی، هزینه‌های اقتصادی و روانی دوران مدرسه و بحران نوجوانی. این مسائل نیازمند کار و هزینه بسیار است و مسئولیتی عظیم و دراز مدت دارد. تصمیم برای فرزندآوری در این جهان دارای مخاطرات عاطفی دیگری نیز هست. با وجود این، چگونه می‌توان فرزندآوری را اخلاقی دانست (Smilanasky, 1995, p. 46).

## ۲-۲. خطرات جسمانی و روانی احتمالی فرزندآوری بر مادر

برخی معتقدند تولد فرزند برای مادر دارای خطرات احتمالی زیادی است؛ نظیر افزایش فشار خون در هنگام حاملگی، افزایش قند خون دوران بارداری، ابتلا به بیماری خاصی مانند سرخچه، مشکلات جسمی و روانی نوزاد، جهش کروموزومی، تولد فرزند ناسالم، نقص ژنتیکی کودک و هر عامل محیطی آسیب‌زا پیش از تولد با عنوان تراژون<sup>۳</sup>. از این‌رو، فرزندآوری نتایج خوبی در پی ندارد؛ در نتیجه، طبق معیار سودگرایی، امری پسندیده نیست (Smilanasky, 1995, p. 47). در حقیقت صورت منطقی استدلال این‌گونه است: (۱) هر آنچه که دارای سود بیشتر برای افراد باشد، اخلاقی است. (۲) فرزندآوری احتمال آسیب به جسم و حالات روانی مادر را به همراه دارد. چون فرزندآوری منجر به ایجاد مشکل در بدن مادر می‌گردد؛ (۳) پس فرزندآوری امری غیر اخلاقی است.

1. Smilanasky
2. Is There a Moral Obligation to Have Children?
3. Teratogen

## ۲-۳. خطرات زیست‌محیطی و برهم خوردن تعادل روانی انسان‌ها

برخی سودگرایان مدعی‌اند جهان مکان خطرناکی است و هر لحظه تهدید وقوع جنگ اتمی یا وقایع زیست‌محیطی و امثال آن وجود دارد؛ بنابراین فرزندآوری نه تنها پیامد مطلوبی ندارد، بلکه الزام به آن نیز اخلاقی نیست (اسمسنسکی، ۱۳۹۳، ص ۶۳).

آکادمی تحقیقات بر روی افزایش جمعیت جهان، در سال ۱۹۹۴ بیان داشت که مشکلات زیست‌محیطی مانند افزایش دی‌اکسیدکربن محیط، گرمایش جهانی و آلودگی به علت افزایش جمعیت پدید آمده‌اند. رشد فعلی جمعیت دنیا نمایان‌گر پدیده‌ای بی‌سابقه در تاریخ است. گروهی جمعیت را مسئله اصلی محیط زیست و عامل صدمات و ضایعات بر محیط زیست می‌دانند. گروهی دیگر چنین استدلال می‌کنند که تغییرات ایجاد شده در محیط زیست ناشی از رشد جمعیت نیست، بلکه مصرف و رفاه بیش از حد و تکنولوژی‌های آلوده‌کننده محیط زیست مسئول این وضع است. احتمالاً هر دو این نظرات می‌تواند درست باشد. جمعیت عامل بلافاصله و تکنولوژی علت نهایی تخریب محیط زیست محسوب می‌شود. افزایش جمعیت یک فرایند مداوم و پیوسته است که اگر خارج از ظرفیت و تحمل محیط زیست انجام گیرد آسیب جدی به محیط زیست طبیعی کره زمین وارد می‌شود (رجب زاده، ۱۳۸۷، ص ۶-۷). دلایلی که در ادامه می‌آیند نشان می‌دهند که چرا افزایش نرخ رشد جمعیت نیازمند یک ضابطه منحصربه‌فرد است. ممکن است این ضابطه برای هر کشوری به شکلی متفاوت و منحصربه‌فرد تعریف شود، ولی عدم طراحی ضابطه‌ای برای کنترل نرخ رشد جمعیت مصائب وحشتناکی را به دنبال خواهد داشت.

جمعیت بیشتر نیازمند غذای بیشتر است و محصولات بیشتر منجر به تولید بیشتر و ایجاد مشاغل بیشتر است. نتیجه این زنجیر افزایش تقاضای انرژی و مصرف سریع منابع انرژی است. این افزایش بسیاری از فرایندهای زیست‌محیطی از قبیل گرم شدن زمین، تخریب لایه اوزون، ریزش باران‌های اسیدی، تغییرات شدید اقلیمی، افزایش گازهای گلخانه‌ای و بسیاری از عوارض دیگر ناشی از ورود این آلاینده‌ها به اتمسفر را به دنبال دارد. تأثیر افزایش جمعیت و انفجار جمعیت در خاک و اقلیم هر سرزمین پیامدهای مثبت و منفی زیست‌محیطی در کل جهان است. رشد جمعیت به همراه افزایش رفاه و صنعتی شدن سه عامل تأثیرگذار در تخریب و آلودگی محیط زیست است (همان، ص ۵).

با توجه به مطالبی که بیان شد برنامه‌ریزی آموزش زیست‌محیطی برای کنترل جمعیت انسان، کاهش اتلاف منابع و کاهش رفتارهای ناهنجار نسبت به محیط زیست ضرورت دارد و تمام این اهداف وابسته به طراحی ضابطه‌ای مناسب برای کنترل نرخ رشد جمعیت است. افزایش جمعیت، غذای زیاد، لباس، مسکن، کالا و اتومبیل می‌طلبد. برای تأمین این نیازهای در حال رشد، کودها، کارخانه‌ها، سموم، سوخت و انرژی هسته‌ای زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد که منجر به آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی جریان هوای گرم و زباله‌های رادیواکتیو می‌شود که با فاضلاب و فضولات و زباله‌های جامد همراه شده و نتیجه آن آلودگی محیط زیست است. برای به دست آوردن غذای بیشتر نیاز به زراعت



بیشتر، مصرف آب بیشتر، کود بیشتر، سموم آفت کش بیشتر، مصرف سوخت بیشتر و... است که نتیجه آنها تخریب بیشتر محیط زیست است. آبی که برای آبیاری استفاده شده است، در سفره‌های آب زیرزمینی فرو می‌رود و خاک را برای کشاورزی نامناسب می‌کند. آفت‌کش‌هایی که در تولید کشاورزی استفاده می‌شود، شسته شده و وارد رودخانه‌ها و دریاچه‌ها می‌شوند و مرگ آبزیان را به دنبال دارند. استفاده از آفت‌کش‌ها و حشره‌کش‌ها نه تنها تعادل اکولوژیکی را در اکوسیستم به هم می‌زند، بلکه باعث بیماری و مرگ بیشتر جانداران مخصوصاً پرندگان می‌شود (همان).

دراکر بیان می‌کند رشد جمعیت عاملی سرنوشت‌ساز است، اگرچه نفرت زیاد به معنای تجارت و صنعت زیاد است، ولی افراد همراه با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و صنعتی ویرانی محیط زیست را تسریع کرده‌اند؛ کوه‌ها را منفجر کرده و بستر دریاها را خراشیده‌اند تا مواد معدنی و سوخت‌های فسیلی به دست آورند؛ زمین‌های کشاورزی را سریع‌تر با تراکتور شخم زده و کود پاشیده تا چندین برابر قبل محصول برداشت کنند؛ با وسایل ماهی‌گیری مجهز کشتی‌ها را از ماهی پر کرده و باعث کاهش منابع شده‌اند؛ با استفاده از تکنولوژی برای نوسازی محیط طبیعی بهره‌برده، مواد و ضایعاتی را که در فرآیند تکنولوژیکی تولید شده نادیده گرفته‌اند؛ در بهره‌برداری بی‌رویه از منابع، اکوسیستم‌های طبیعی را متأثر ساخته و زمین و منابع آبی را از نظر زیست محیطی به چالش کشانده‌اند؛ در نتیجه جمعیت‌های گیاهی و جانوری را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده‌اند (دراکر، ۱۳۹۳).

افزایش جمعیت منجر به تخریب سریع‌تر زمین ناشی از هجوم ساکنان شهرها برای ایجاد ساختمان و تغییر کاربری اراضی شده است. قطع غیر مجاز درختان جنگلی به همراه چرای بی‌رویه حفظ و نگهداری محیط زیست را به مخاطره انداخته است. در روزگاران اولیه انسان برای بقای خود روزانه به ۲۰۰۰ کیلو کالری نیاز داشته که آن را عمدتاً از غذا کسب می‌کرده است. امروزه مصرف سرانه انرژی در بعضی کشورها به ۲۳۰۰۰ کیلو کالری می‌رسد که از طریق غذا، سوخت‌های سنگواره‌ای و منابع دیگر تامین می‌شود. در کشورهای در حال توسعه که اکثریت مردم به کشاورزی اشتغال دارند، روزانه برای هر فرد مقدار ۱۲۰۰۰ تا ۲۶۰۰۰ کیلو کالری مورد نیاز است؛ ولی بسیاری از کشورها هنوز در سطح ابتدایی مصرف انرژی هستند (وبسایت بانک جهانی، ۲۰۰۷).

حدود ۹۷/۲ درصد کل آب زمین را اقیانوس‌های شور تشکیل می‌دهند که تنها ۲/۸ درصد از کل این مجموعه مقدار آب قابل استفاده برای زمین است؛ ولی از این مقدار فقط ۰/۰۰۳ درصد برای استفاده قابل دسترسی است. این مقدار آب برای مصرف جمعیت تا سال ۲۰۲۰ کفایت خواهد کرد. توزیع نامتعادل آب و نیاز روزافزون بشری و آلودگی منابع آبی تهدیدی جدی برای جهان است که اگر برای آن برنامه‌ریزی مناسبی صورت نگیرد مشکلات عديده‌ای را برای مردم جهان در پی خواهد داشت (رجب زاده، ۱۳۸۷، ص ۶-۸).

ابن خلدون درباره عواقب زیادی جمعیت چنین می‌گوید:

«در نتیجه توسعه اجتماع و افزایش جمعیت هوا فاسد می‌شود؛ زیرا هوای شهرهای پرجمعیت، با مواد گندیده

و رطوبت فاسد در می‌آمیزد و هر گاه هوا که به منزله غذای روح حیوانی است و همواره آن را استنشاق می‌کنند فاسد شود، این فساد به مزاج انسان راه می‌یابد و اگر این فساد قوی باشد به ریه انسان، بیماری سرایت می‌کند و این‌گونه بیماری‌ها عبارت از انواع طاعون‌ها می‌باشند. علت بسیاری عفونت‌ها و رطوبت فاسد در کلیه این‌گونه حالات، توسعه اجتماعی و افزایش جمعیت شهر در اواخر دوران فرمانروایی دولت‌ها است» (صادقی، ۱۳۹۲).

در واقع تمام مطالبی که در رابطه با تخریب محیط زیست عنوان شد بیش از پیش بر اهمیت طراحی ضابطه‌ای برای کنترل نرخ رشد جمعیت تأکید دارند. ضابطه‌مند کردن نرخ رشد جمعیت باعث می‌شود نگرانی‌های بجا دربارهٔ افزایش جمعیت از بین برود و بین منابع انسانی و طبیعی توازنی صحیح برقرار شود. از جمله فوایدی که ضابطه کنترل جمعیت دارد، می‌توان به کاهش خطرات ایجاد شده برای محیط زیست، استفاده صحیح از آب و منابع آبی، مصرف بهینه منابع بیولوژیکی زمین و افزایش میزان دانش و آگاهی‌های زیست‌محیطی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه اشاره کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پایداری زیست‌محیطی نیازمند تنظیم جمعیت است و تنظیم جمعیت خود نیازمند طراحی ضابطه‌ای برای کنترل نرخ رشد جمعیت است. بنابراین تخریب محیط زیست را با کنترل جمعیت و استفاده بهینه از منابع می‌توان به حداقل رساند.

### ۳. نقد استدلال‌های سودگرایان بر فرزندآوری

#### ۳-۱. نگاه ابزاری به فرزند

در نقد استدلال‌های موافقان فرزندآوری باید گفت در استدلال‌های مطرح آنچه مهم است نتایج خوب یا بد اعمال است. این که چه کسی با چه نیتی و با چه وسیله‌ای این فعل را انجام می‌دهد، مهم نیست (اترک، ۱۳۸۴، ص ۲۶۴-۳۰۰). در مسئله فرزندآوری نیز مهم پیامد مطلوبی است که به دنبال دارد، نه نیت عمل که تولد کودک با نیت ابزاری باشد یا غیر آن؛ آیا فرزند از جهت انسان بودن خودش ارزشمند است (دارای ارزش ذاتی است) یا ارزش او منوط به سودی است که برای والدین دارد؟ این نکته در نقد استدلال‌های مطرح نظیر زنده شدن کودک درون والدین، شادی والدین، تحقق انگیزه‌های والدین و فرزندآوری و ایجاد آرامش روانی ناشی از رشد اقتصادی-اجتماعی برای خود و جامعه کاربرد دارد. اگرچه انسان از فرزندآوری سود روانشناختی کسب می‌کند، اما تولید فرزند تنها به این دلایل حاوی نگاه ابزاری به فرزند است. در صورتی که اگر این ابزار در مواقعی کارایی لازم را نداشته باشد و آن هدفی که والدین یا جامعه دنبال می‌کند، محقق نگردد، با تأکید بر آزادی، لذت‌گرایی، جست‌وجوی زندگی عاشقانه بدون سختی و گرفتاری و غیره تنها به دنبال سودهای کلان اقتصادی بوده و موجب از بین رفتن معنویت و ارزش‌های اخلاقی انسانی در دنیا می‌گردد (پاسنو، ۱۳۸۲، ص ۹۹). بنابراین لازمهٔ این مسئله آن است که در صورت عدم تحقق سود لازم و تنافی وجود فرزند با منافع مورد نظر، به بهانه‌های متعدد مانند لزوم حضور زنان در فعالیت اجتماعی، به



مخالفت با بارداری، زایمان و فرزندپروری و درنهایت، بر آسان‌ترین، خشن‌ترین و غیرانسانی‌ترین راه خلاصی از این گرفتاری یعنی سقط جنین تأکید کند و آن را مجاز شمارد. از این‌رو، اگر به روش و میزان صحیح فرزندآوری توجه نشود، جامعه دچار اختلال و چه بسا کاهش ارزش و کرامت انسانی خواهد شد. پس لازم است به رشد صحیح جمعیت در کنار دلایل روانشناختی برای والدین توجه شود و بر کرامت ذاتی<sup>۱</sup> انسان، حق حیات جنین، ارزش ذاتی وجود انسان و عدم نیت ابزاری در مسئله فرزندآوری در کنار پیامدهای مثبت و منفی که دارد تأکید گردد.

### ۳-۲. نقد استدلال فرزندآوری و پذیرش مسئولیت سنگین

در نقد استدلال فرزندآوری و پذیرش مسئولیت سنگین آن می‌توان اینگونه اظهار داشت که هر زمان انسان تصمیم می‌گیرد که تولید مثل کند، در این تصمیم حداقل دو ویژگی اساسی و اخلاقی وجود دارد؛ این دو ویژگی اساسی عبارتند از: اول این که خود بچه‌ها کسی را برای به وجود آمدن انتخاب نمی‌کنند. در واقع در تولید مثل طبیعی زمانی که یک زوج تصمیم می‌گیرند صاحب فرزندی شوند، این زوج نمی‌توانند نظر فرزندی که قرار است به دنیا بیاید را جویا شوند و تنها بر اساس تمایلات و خواسته‌های زوجین است که وجود یا عدم وجود فرزند تعیین می‌شود. از طرف دیگر انسانی که هنوز ماهیت و وجود پیدا نکرده است نمی‌تواند دخل و تصرفی در چگونگی وجود خود داشته باشد؛ برای مثال، انسان ناموجود نمی‌تواند درباره چگونگی کیفیت انتقال ویژگی‌های والدین تصمیم‌گیری کند (Benatar, 2006, p. 777).

این استدلال که از حق شخصی زوجین در امور ابتدایی مانند فرزندآوری سخن به میان می‌آورد، با اساسی‌ترین باورهای ما درباره حقوق مان در آزادی انتخاب، حریم خصوصی، خودشکوفایی، عدم اجبار در پذیرفتن تکلیف و ... مرتبط است؛ حال اینکه چقدر در انجام عملی فرزندآوری زوجین اهمیت قائل شوند، امری مهم است؛ زیرا این خود زمینه تکامل و ارتقاء آنها است که به دقت در زمانی مناسب با وجود شرایط از نقطه امن خود خارج شده و فضای جدید زندگی همراه با فرزند را تجربه نمایند.

علاوه بر نکات فوق تا حدودی این نکته درست است که برخی افراد نمی‌توانند والدین خوبی باشند، ولی در پاسخ به این مسئله می‌توان گفت: اول اینکه این احساس که کلاً والدین نمی‌توانند پدر و مادر خوبی باشند نادرست است. هیچ‌کسی پدر یا مادر «متولد» نمی‌شود و پدر و مادر شدن نیاز به استعداد فراوان ندارد و چنین نیست که تنها نخبه‌ها این مسئولیت را بپذیرند، بلکه همه افراد جامعه توانایی پذیرفتن این مسئولیت را دارند. اینکه شخصی نقش والدین بودن را به خاطر سختی مسئولیت آن و این اعتقاد که او از توان انجام این مسئولیت بر نمی‌آید، نپذیرد، منطقی به نظر نمی‌رسد. البته این نکته به‌طور جزئی قابل پذیرش است که در بعضی شرایط مثلاً در بازه‌های سنی خاصی فرزندآوری مناسب

۱. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء/۷۰).

نباشد؛ به عنوان مثال ممکن است بعضی از والدین در بازه سنی مناسبی صاحب فرزند نشده باشند (مانند بسیاری از والدین نوجوان)؛ زیرا مسئله زاد و ولد در هر شرایطی مناسب نیست، بلکه قبل از آن نیاز به مقدمات خاصی دارد که آموزش فرزندپروری یکی از این مقدمات ضروری است که آشنایی با آن برای زوجینی که قصد فرزندآوری دارند دارای اهمیت است. با این حال، در شرایط عادی، جایی که غالباً فقط بی‌میلی دخیل است، این استدلال اعتباری ندارد. ترس از این که نتوان به فرزند خود عشق ورزید و زندگی رضایت‌بخشی را برای او فراهم کرد، نامعقول است. برای درک بهتر موضوع می‌توان مثالی ساده زد. تمام کسانی که تحصیل می‌کنند اگر این‌گونه فکر کنند که ممکن است تحصیل آن‌ها به نتیجه‌ای نرسد و یا اگر برای آزمونی مطالعه می‌کنند، ممکن است حد نصاب آزمون را کسب نکنند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ قطعاً کسی به تحصیل فکر نخواهد کرد و جامعه با مشکلات کلانی روبه‌رو خواهد شد. آنچه که بین هدف بشر و تلاش او هماهنگی ایجاد می‌کند، امیدواری و دوری از یاس است. امید همچون نقطه عطفی است که انسان را به آینده امیدوار می‌کند و او را برای رسیدن به هدفش ثابت‌قدم نگه می‌دارد. به هر حال اشخاص بسیاری هستند که با وجود اینکه در امر فرزندآوری اعتماد به نفس دارند نسبت به آن بی‌میل هستند و به فرزندآوری رغبتی نشان نمی‌دهند (Smilanasky, 1995, p.46).

علاوه بر موارد بالا افراد بسیاری علاقمندند تا ژنتیک‌شان توسط اجدادشان تداوم یابند. میل به جاودانگی خاصیت طبیعی و ذاتی انسان است. انسان دوست دارد که جاودانه بماند و با کمک نوادگان و نندیده‌ها ژن‌های خانوادگی را گسترش دهد؛ خاطراتش پس از مرگش به یاد آورده شود و ارزش‌هایش پاس داشته شود. همچنین ممکن است داشتن فرزند برای گسترش فرهنگ یک خانواده و نسل مهم باشد. بسیاری از فعالیت‌ها نظیر اعمال دینی، زبان‌ها و گویش‌ها، مشغولیت‌ها و اجتماعات و حتی فرهنگ یک جامعه برای شکوفایی خود به تعدادی از انسان‌ها وابسته‌اند. به‌طور قطع شما به چنین گروه‌هایی تعلق دارید و با آن‌ها شناخته شده‌اید یا می‌شوید. بنابراین وجدان اخلاقی شما را بر آن می‌دارد تا مسئولیت خود و نقش‌تان را در برابر آینده‌مانندگاران این گروه‌ها و فرهنگ‌ها بر عهده بگیرید؛ حتی گاه ممکن است شما احساس تعلقی به آن گروه نداشته باشید، اما صرف عضویت در گروه بدان معنا است که شما می‌توانید در مسئولیت مربوط به نابودی یا زوال آن سهیم باشید. اهمیت اخلاقی این مسئله در جایی روشن می‌گردد که گاهی صرف انتخاب و ترجیح‌های شما مهم نیست بلکه به ارزش‌های و زندگی آن مسئله وابسته است. شنیده می‌شود که خانواده‌های بسیار زیادی با آداب و رسوم و استعدادها ویژه که برای جوامع بشری در طول زمان‌های متعدد ثمربخش بوده‌اند، در حال انقراض هستند؛ زیرا افرادی که حلقه آخر آن سلسله بوده‌اند، تصمیم گرفته‌اند که بچه‌دار نشوند. ایجاد چنین شرایطی نشان می‌دهد که افرادی در آن گروه‌ها در عمل به وظیفه خود کوتاهی کرده و از نظر اخلاقی کار نادرستی انجام داده‌اند و راضی به وضعیت کاهش جمعیت و عدم ثمرات حاصل از آن شدند. این مسئولیت آن‌ها بوده است که برای حفظ تداوم زندگی تلاش کنند. ثمرات خانوادگی مربوط به این خانواده‌ها ممکن است به عوامل ژنتیک یا



محیط اجتماعی - فرهنگی خاص یا هر دوی این‌ها وابسته باشند. اما به هر حال، اگر ما ارزش آن ثمرات را جدی بگیریم، این دعوی موجه می‌شود که کسانی که مسئول از بین رفتن این ارزش هستند، از نظر اخلاقی بالقوه مقصرند؛ زیرا این افراد می‌توانستند با فرزندآوری از ایجاد این نابودی دردناک جلوگیری کنند (Ibid, p. 47).

### ۳-۳. نقد استدلال خطرات جانی برای مادر

در نقد استدلال خطرات جسمانی برای مادر می‌توان گفت که شکی در پذیرش خطرات احتمالی ناشی از تولد فرزند نیست. اگر احتمال معقولی وجود داشته باشد که تولد فرزند منجر به مرگ یا رنج شدید مادر یا کودک شود، حکم آن از نظر اخلاقی معلوم است که وظیفه‌ای بر عهده زن برای فرزندآوری نیست؛ اما از سوی دیگر باید توجه داشت که هر هدف بزرگی، مخاطراتی به همراه دارد. تحصیل در علم و یا تلاش و کوشش برای رسیدن به درجه‌ای ممکن است با ناکامی همراه باشد. در فینال یک مسابقه ورزشی تنها یک تیم پیروز می‌شود؛ ولی آیا این دلیل می‌شود که چون احتمال شکست در رسیدن به هدف وجود دارد، از رسیدن به هدف مأیوس شویم؟ بنابراین این دیدگاه تأثیری در موضوع اصلی ما ندارد (Smilanasky, 1995, p. 43).

نکته دیگر این که افزایش سن مادر و همچنین وجود بیماری‌های ژنتیکی در زوج‌های در معرض خطر می‌تواند باعث افزایش خطر بروز ناهنجاری‌های کروموزومی در نوزاد شود. برای پیشگیری از این خطر احتمالی سابقاً از روش‌های تشخیص ژنتیکی قبل از تولد موسوم به PND برای بررسی ناهنجاری‌های کروموزومی جنین قبل از تولد استفاده می‌شد؛ اما در صورت تشخیص ناهنجاری در جنین، تصمیم گرفتن در مورد سقط جنین برای زوج بسیار مشکل بود و صدمات جسمی و روانی را برای آن‌ها در پی داشت. امروزه با استفاده از روش‌های تشخیص ژنتیکی پیش از لانه‌گزینی موسوم به PGD می‌توان از بروز این مشکلات جلوگیری کرد (<https://shirazmch.ir/learnpam/ivf/pgd>). علاوه بر نکته مذکور مشکلات جسمی و روحی مادر در حین بارداری نظیر تهوع‌های دوران حاملگی، تغییرات جسمی مانند افزایش سایز دور شکم و کمر یا جابه‌جایی لگن و مهره‌های کمر مادر با کمک رژیم غذایی مناسب و ورزش‌های حین بارداری و پس از زایمان بسیار تسهیل‌کننده بوده و سلامت مادر را تضمین می‌کند (حسن آبادی، بحری، تارا و بحری، ۱۳۹۳، ص ۱۶-۲۸). علاوه بر این طبیعت رحم مادر زائیدن است و هر چه زایش بیشتر و اصولی‌تر باشد موجب سلامت جسم و روان مادر خواهد بود.

### ۳-۴. نقد استدلال خطرات زیست محیطی

در نقد استدلال خطرات زیست محیطی می‌توان پرسید که آیا واقعا جهان آنقدر مکان خطرناکی است که دلیلی معقول برای فرزندآوری وجود نداشته باشد؟ نکته اول در رابطه با این استدلال این است که می‌توان آن را نتیجه این احساس کلی دانست «که زندگی بی‌رحم است و بهتر بود که به دنیا نمی‌آمدیم». چنین نگاه بدبینانه‌ای کمتر رایج است. آنان که



استدلال «عدم فرزندآوری» را مطرح می‌کنند، معمولاً آن را در فضایی ارائه می‌دهند که با اختصاص وقت بیشتر برای لذت بردن از زندگی درهم می‌آمیزند و به خودکشی و دیگر اختلالات اشاره‌ای ندارند. بنابراین، نکته اصلی این است که اکثر افراد زندگی را واجد ارزش و زیستن می‌یابند. در واقع، بسیاری از افراد مسن حتی در بدترین شرایط پیری یا اوضاع زندگی، جاودانگی را دوست دارند. اگر خلاف این موضوع حقیقت داشت چه دلیلی داشت که افراد مسن برای کنترل سلامتی و یا حتی بیماری خود به پزشک مراجعه کنند و یا حتی برای آن هزینه‌های گزاف متحمل شوند.

بنابراین، این استدلال ارزش زندگی را نفی نمی‌کند، بلکه به دنبال آن است که بیان کند در جهان جدید شرایطی خاص حاکم است که داشتن فرزند را غیرمسئولانه می‌کند یا دست کم، نداشتن آن را مجاز می‌سازد؛ اما وقتی این ادعا از مسئله «زندگی بدون هدف» جدا شود، دیگر قانع‌کننده نیست. تاریخچه تولد یک کودک، مثلاً در یک کشور غربی یا بلوک شرقی قبل باید بهتر از تاریخچه تولد یک کودک هم‌تراز با او پیش از قرن بیستم شده باشد. امید به زندگی، دسترسی به درمان، شرایط زندگی، خدمات آموزشی، ساعات کار و دسترسی به اوقات فراغت، همگی بسیار بهتر شده‌اند. به همین ترتیب، تاریخچه تصور یک جنگ جهانی در سراسر اروپا، نسبت به آنچه در طول قرن‌ها بوده، کمتر شده و هرگز این همه رژیم‌های دموکراتیک در جهان وجود نداشته است. بنابراین، در جهان جدید دلایل خوبی برای عدم فرزندآوری وجود ندارد.

نکته دوم این که صرفاً افزایش جمعیت را نمی‌توان عامل تخریب محیط زیست دانست؛ بلکه بخش اعظم مشکلات زیست‌محیطی امروز یک مشکل سیاسی است. این مشکل سیاسی به‌طور عمده ریشه در استثمار و بردگی زمین و بردگی جهان سوم دارد. رئیس بزرگ سرخ‌پوستان «سیاتل» بیش از یک‌صد سال پیش خطاب به رئیس جمهور آمریکا گفت: «زمین مادر ماست. آنچه که به زمین آسیب رساند، به پسران و دختران زمین نیز لطمه می‌زند. اگر انسان‌ها بر زمین تف کنند، خود آن را خواهند خورد» (Fischer, 2013, p.23).

حدود سی سال قبل، دنیس مدوز و همکارانش در تحقیق دو ساله خویش در کتاب «مرزهای رشد» پیام ممکن اعمال بی‌رویه انسان‌ها را با در نظر گرفتن رشد اقتصادی، مصرف مواد خام و آلودگی‌های زیست‌محیطی ترسیم نمودند. آن‌ها با خلق و ترسیم مدل‌های کامپیوتری به تجسم سناریوهایی گوناگونی پرداختند که به وسیله آن‌ها فجایع و نتایج اعمال مصرفی را که در تزلزل بشر کوه‌فکر کمین کرده است، پیش‌گویی نمودند. با ارائه این مدل‌ها، نمودارها و پیش‌گویی‌ها و به دلیل واقعیات تلخ عینی یعنی فجایع زیست‌محیطی که در انتظار ما نشسته است، کنفرانس جهانی محیط زیست در سال ۱۹۹۲ در ریو، انجام اقدامات و تدابیر سریع در حراست و حفاظت محیط زیست را خواستار گردید. نتایج ریو به علت سرسختی و برتری‌طلبی‌های اقتصادی برخی از کشورهای صنعتی و در رأس آن‌ها آمریکا در کل چندان رضایت بخش نبود؛ گرچه در آنجا برای اتخاذ تدابیری تا سال ۲۰۰۰ برای کاهش گاز دی‌اکسید کربن موافقت‌نامه‌ای به امضا رسید. در کنفرانس جهانی بررسی تغییرات آب و هوا و مشکلات زیست‌محیطی در برلین بار

دیگر تمامی کوشش‌ها در جهت اتخاذ تدابیر عاقلانه در حفاظت از محیط زیست بی‌ثمر ماند. در سال ۱۹۹۷ نیز در شهر بن پیش‌گفت‌وگوهای جلسه بعدی برای دسامبر ۱۹۹۷ در کیوتو به شکست انجامید. در کیوتوی ژاپن نیز سرسختی آمریکائی‌ها دال بر عدم قبول مسئولیت در برابر آلودگی زیست محیطی و عدم ضمانت برای کاهش گازهای گلخانه‌ای، کنفرانس کیوتو را نافرجا گذاشت. در تمامی این کنفرانس‌ها عامل اصلی شکست گفت‌وگوها برای اتخاذ تدابیر معقولانه در حفاظت محیط زیست آمریکا و کشورهای صنعتی بودند (Ibid, p. 37).

#### ۴-۴. افزایش مسئولیت کودکان

نقد دیگر بر رویکرد مخالفان فرزندآوری این است که کاهش فرزندآوری عامل افزایش مسئولیت کودکانی است که در جامعه توسط دیگر والدین متولد می‌شوند. کودکان متولد شده مجبورند مسئولیت اقتصاد خانواده و کل جامعه خود را بر عهده بگیرند؛ مراقبت‌ها و خدمات ویژه‌ای به مردم خود عرضه دارند. بنابراین، می‌توان چنین استدلال کرد آنان که فرزندی به دنیا نمی‌آورند، به یک معنا «سواری بگیر» دیگرانند؛ زیرا با پیری این اشخاص زمینه وابستگی آنان به فرزندان دیگران افزایش یافته و به طور مثال حتی برای مراقبت‌های ویژه نیازمند پرستار یا خانه سالمندان هستند تا با بهره‌گیری از خدمات افراد متولد شده و پرورش یافته در این مهارت بتوانند مدتی زندگی کنند. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته اقتصادی، حتی امروز هم نرخ رشد جمعیت داخلی منفی است؛ یعنی ازدواج و بارداری به گونه‌ای نیست که رشد جمعیت حاصل نماید؛ اما حتی ورای این دغدغه‌های عملی به نظر می‌رسد بی‌مسئولیتی در مسئله زاد و ولد و عدم پذیرش سهم خود در تداوم جامعه وجود دارد که از نظر اخلاقی اشکال دارد. اگر فرزندآوری در جامعه اهمیت زیاد دارد، آنان که سهم خود را نمی‌پذیرند، به همان میزان برای جامعه بی‌فایده‌اند و به لحاظ اخلاقی «سواری بگیر بی‌عار» هستند. در اینجا مسئله حفظ نژاد انسانی یا جامعه خود نیست، بلکه مسئله این است که توضیح داده شود که چرا کسی اجازه می‌دهد دیگران همه بار سنگین مسئولیت او را به دوش بکشند و چرا این کار غیر منصفانه است. در واقع اگر در جامعه‌ای پزشک ماهر، مهندس کارآموزده، فیلسوف عالم، ریاضیدان برجسته، مشاور مؤثر و ... وجود دارد؛ تمام این اشخاص پدر و مادری داشته‌اند که در تربیت و پرورش او سهم بسزایی ایفا کرده‌اند. همان‌طور که جامعه از یک شخص بی‌مسئولیت در زمینه اجتماعی گریزان است، از افراد بی‌مسئولیت در زمینه فرزندآوری نیز گریزان خواهد بود (Smilanasky, 1995, p.47).

#### نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی و نقد دلایل سودگرایان موافق و مخالف فرزندآوری پرداخته شد. برخی از این استدلال‌ها چندان قوت تبیینی نداشتند و با نگاهی ابزاری به فرزندآوری، کرامت و ارزش ذاتی انسان را زیر سؤال بردند. دلایل ارائه شده در خصوص منع فرزندآوری چندان به لحاظ علمی قابل قبول نبود. از جمله این دلایل، «مسئولیت سنگین فرزندآوری»، «خطرات محتمل آوردن فرزند برای مادر»، «خطرناک بودن جهان برای کودکانی که به دنیا می‌آیند»،

«جمعیت بیش از حد لازم کودک در دنیا» یا «وجود رنج در جهان و ترجیح نبودن» بودند که این استدلال‌ها نه تنها قانع‌کننده نبودند، بلکه بیشتر جنبه بهانه‌تراشی داشتند. در پاسخ به آن‌ها که دلیل قانع‌کننده‌ای برای منع فرزندآوری جز بی‌میلی ندارند، باید گفت که فرزندآوری خیر آینده والدین را به لحاظ حفظ ارزش، سنت، فرهنگ و تعهد بیشتر تضمین می‌کند و به کسانی که فرزندآوری را مانع خوشبختی یا معنای زندگی خود می‌دانند، نمی‌توان به داشتن فرزند بنابه وظیفه اخلاقی توصیه کرد؛ اما لازمه اخلاقی این تصمیم حساس قابل توجه است. این انتخاب به اندازه‌ای با اهمیت است که نمی‌توان به راحتی از آن عبور کرد و بدون تعقل در خصوص این مسئله تصمیم گرفت. فرزندآوری رتبه‌بندی ارزشی متفاوتی را در زندگی افراد به وجود می‌آورد. گاهی به دلیل وجود یک انسان والدین خود را تغییر می‌دهند و او را بر خود مقدم می‌کنند، حتی بدون در نظر گرفتن وظایف نسبت به خود. آنان داشتن فرزند را برای یک زندگی با اهمیت توصیه کرده و آن را برای معناداری زندگی مهم می‌دانند.

با توجه به شرایط، استدلال‌های مدافع فرزندآوری کم و زیاد می‌گردد. نتایج اولیه حاکی از آن است که همه انسان‌ها مکلف‌اند به لحاظ اخلاقی راغب به فرزندآوری بوده و اقدام عملی داشته باشند؛ اگرچه ممکن است در شرایط خاصی که انفجار جمعیت شکل گرفته یا نسل انسان در حال انقراض نیست، توجه به این مسئله کمتر شود. یک پیش‌فرض اخلاقی در این زمینه وجود دارد که فرزندآوری سودمند است، به طوری که نداشتن آن به سهم خود مسئله‌ساز است و اخلاقاً خنثی نیست. گاه حتی شرایط حاکی از وظیفه شخصی مستقیم بر داشتن فرزند است. بنابراین با توسل به مبانی متناظر به مبنای وظیفه‌گرایی مسئله فرزندآوری امکان تبیین و تحلیل دارد. اگرچه با جرح و تعدیل‌هایی می‌توان در مسائلی نظیر فرزندآوری در کنار وظیفه‌گرایی فواید و سود فرزند را نیز توجیه کرد.



## منابع

- قرآن کریم. (۱۴۱۷). ترجمه محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران.
- نهج البلاغه. (۱۴۱۴). گردآوری: سید رضی، نسخه صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم.
- آیت اللهی، س. م؛ رفیعی، م. (۱۳۸۳). بررسی کیفیت زندگی پرسنل دانشگاه آزاد اسلامی اراک، فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۶ (۲۱ و ۲۲): ۶۳-۷۰.
- اسمیلنسکی، سول. (۱۳۹۳). «وظیفه اخلاقی داشتن فرزند»، مترجم: امیرحسین خداپرست، اطلاعات حکمت و معرفت، سال نهم - شماره ۵ ص ۶۱-۶۶.
- اترک، حسین. (۱۳۸۴). «سودگرایی اخلاقی»، نقد و نظر، صص ۲۶۴-۳۰۰.
- امانی، مهدی. (۱۳۷۷). مبانی جمعیت‌شناسی، چاپ اول. تهران: سمت، ص ۱۰-۱۱.
- براگا، جوزف، براگا، لوری. (۱۳۶۸). باکودکان خود رشد کنید، ترجمه پروین قاسم زاده، آسیا، تهران: ۱۶-۲۵.
- پاسنو، دایانا. (۱۳۸۲). «فمینیسم؛ راه یابی راه؟! کشف دوباره خواست خدا برای آزادی زنان» ترجمه محمدرضا مجیدی، چاپ اول، تهران، دفتر نشر معارف، ص ۹۹.
- پناهی، علی احمد. (۱۳۹۵). «نگاهی به فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه‌های دینی با رویکردی اخلاقی»، فصلنامه اخلاق. ۶. ۲۱؛ ص ۶.
- پینکافس، ادموند. (1382). از مسئله محوری تا فضیلت گرای نقدی بر تحویل گرایی در اخلاق. ترجمه حمیدرضا حسنی و مهدی علی پور، قم: نشر معارف، ص ۴۹.
- حسن آبادی، حسین، بحری، نسرین؛ تارا، فاطمه؛ بحری، نرجس. (۱۳۹۳). «تأثیر ورزش بر کمردرد دوران بارداری»، زنان و نازایی. مجله ایران، ش ۱۲۷، صص ۱۶-۲۸.
- دباغ، سروش. (۱۳۸۸). امر اخلاقی امر متعالی، تهران: نشر کتاب پارسه. ص ۲-۳.
- دراکر، پتر فردیناند. (۱۳۹۳). چالش‌های مدیریت در سده ۲۱. ترجمه محمود طلوع.
- دژبرار، کریم. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی تک‌فرزندی از دیدگاه اسلام و علوم اجتماعی، چاپ اول قم: نشر بوستان کتاب.
- رجب‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۷). «جمعیت و اثرات آن بر محیط زیست». مدیران سبزاندیش، شماره ۱ و ۲. ص ۱-۱۸.
- ری شهری، محمد. (۱۳۸۶). میزان الحکمه، مترجم حمید رضا شیخی، ج ۳، نشر دارالحدیث، ص ۴۲۶.
- صادقی، مرضیه. (۱۳۸۸). «بررسی سه دیدگاه اخلاق مبتنی بر فضیلت، اخلاق مبتنی بر عمل و اخلاق مکمل»، مجله نامه مفید، شماره ۲۸، ص ۱۵.

صادقی، رسول. (۱۳۹۲). «بررسی نظریه تحول دولت‌ها و تغییرات اجتماعی ابن خلدون؛ رابطه رشد جمعیت با پیشرفت و توسعه اقتصادی جامعه»، فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۳، شماره ۲، قابل

دسترسی در: <http://vasael.ir/fa/news/3191>

عبدالملکی، سعید. (۱۳۸۸). «دکتر اریک برن پدر تحلیل رفتار»، شادکامی و موفقیت، ۲، ص ۱۷.

فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۸۹). فلسفه ی اخلاق، ترجمه ی هادی صادقی، قم، انتشارات طه، ص ۲۴۵.

گنسلر، هری ج. (۱۳۹۰). درآمدهای بر اخلاق معاصر. ترجمه مهدی اخوان. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۱۷.

محمودیان، حسین؛ شرفی، محمدرضا؛ خوش‌بین، سهیلا؛ احمدی، احمد. (۱۳۸۷). دانش خانواده. چاپ هشتم. تهران: سمت، ص ۴۴.

ویلیامز، برنارد. (۱۳۸۳). فلسفه ی اخلاق، ترجمه و تعلیقات زهرا جلالی، قم، نشر معارف، ص ۱۸.

Argyle, M. (2001). *The Psychology of Happiness*, Routledge Taylor and Francis Group, P. 82.

Benatar, David. (2006). *Better Never to Have Been: The Harm of Coming into Existence*. Oxford, UK: Clarendon Press.

Dominik Fischer, Stephanie M Thomas, Jonathan E Suk, Bertrand Sudre, Andrea Hess, Nils B Tjaden, Carl Beierkuhnlein and Jan C Semenza (2013): Climate change effects on Chikungunya transmission in Europe: geospatial analysis of vector's climatic suitability and virus' temperature requirements. *International Journal of Health Geographics* 2013, 12:51. doi:10.1186/1476-072X-12-51

Feldman, H. (1971). *The effects of children on the family*. Leiden; P. 125-104.

Russell, C. *Transitition to Parenthood*. *Journal of Marriage and the family*, 1974, Vol 36, P. 294-302.

Geoffrey, Scarre. (1998). "Utilitarianism", in Contributors: R.T. Chadwick, In: *Encyclopedia of Applied Ethics*, vol. 4, San Diego, CA: Academic Press.

Lucas, D; P, Meyer. (1938). "Population Economics, and the Value of Children" in: *Beginning Population Studies*, the Australian National University, p. 173.

Overall, C. (1949). "Why have Children? The Ethical Debate." London, England, p.77.

Smilansky, S. (1995). "Is There a Moral Obligation to Have Children?" *Journal of Applied Philosophy*. Vol.12, No.1: 42-52.

<http://www.royaninstitute.org>

وب سایت بانک جهانی، ۲۰۰۷؛ قابل دسترسی در: <https://ourworldindata.org/grapher/fossil-fuels-per-capita>

اریک\_برن [https://fa.wikipedia.org/wiki/اریک\\_برن](https://fa.wikipedia.org/wiki/اریک_برن)

